

دین و اقتصاد ایران

اکثریت ایرانیان مسلمان شیعه اثنی عشری یا شیعه دوازده امامی هستند که مذهب رسمی دولتی است. کردها و ترکمن ها عمدتاً مسلمان سنی و اعراب ایران هم سنی و هم شیعه هستند. جوامع کوچکی از مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان نیز در سراسر کشور یافت می شوند.

تشیع

دو سنگ بنای تشیع ایرانی وعده رجعت امام دوازدهم - محمد المهدی الحجه - که شیعیان از او به نام مهدی یاد می کنند - و تکریم اجداد شهیدش است. غیبت امام به طور غیرمستقیم به رشد روحانیت شیعی قدرتمند در ایران مدرن کمک کرد که تمایل به مقام و منزلت، به ویژه در قرن بیستم، منجر به افزایش القاب و افتخارات منحصر به فرد در جهان اسلام شد. روحانیت شیعه از انقلاب ۱۹۷۹، نیروی سیاسی و اجتماعی غالب در ایران بوده است.

در اسلام هیچ مفهومی از کهنوت وجود ندارد. از این رو، نقش روحانیت را نه یک کشیش، بلکه جامعه ای از علما ایفا می کنند. برای عضویت در علمای شیعه، یک مسلمان مرد فقط باید در یک حوزه علمیه سنتی اسلامی یا مدرسه شرکت کند. رشته اصلی تحصی+ل در چنین مؤسسه ای فقه اسلامی است، اما طلبه برای فقیه نیازی به تکمیل تحصیلات مدرسه ندارد. در ایران چنین روحانی سطح پایینی را عموماً با اصطلاح عام ملا یا آخوند یا اخیراً روحانی می نامند. برای آخوند شدن، فقط باید به سطحی از صلاحیت علمی رسید که توسط سایر اعضای روحانیت به رسمیت شناخته شده است. ملاها اکثراً پست های مذهبی محلی در ایران دارند.

یک طلبه با فارغ التحصیلی از یک مدرسه معتبر و کسب شناخت عمومی همتایان خود و سپس مهمتر از همه، با به دست آوردن پیروان قابل توجه، مقام عالی اجتهاد را به دست می آورد - عالمی که قادر به انجام استدلال مستقل در قضاوت قانونی (اجتهاد به زبان عربی) است. در میان شیعیان مدعی این مقام معمولاً حجت الاسلام (عربی حجة الاسلام، نامیده می شود. تعداد کمی از روحانیون

در نهایت به عنوان مجتهد شناخته می شوند و برخی با اصطلاح آیت الله مورد خطاب قرار می گیرند. شأن آیت الله العظمی فقط نصیب مجتهدان شیعه می شود که سطح بینش و تخصصشان در حقوق شرعی به حدی رسیده باشد که شایسته مرجعیت تقلید، بالاترین مرتبه تعالی در تشیع ایرانی باشد. هیچ سلسله مراتب یا زیرساخت دینی واقعی در تشیع وجود ندارد و علما اغلب نظرات مستقل و متفاوتی در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و مذهبی دارند. از این رو، این افتخارات اعطا نمی شود، بلکه توسط علما از طریق اجماع عمومی و توسل عمومی به دست می آید. شیعیان در هر سطحی بر اساس شهرتشان در علم و دانش قضایی از روحانیون پیروی می کنند و این گرایش در تشیع امروزی قوی شده است که هر مؤمنی برای پرهیز از گناه، از آموزه های مرجع برگزیده خود پیروی کند. تقلید این امر قدرت علما را در ایران افزایش داده است و همچنین نقش آنها به عنوان میانجی در امر الهی بیشتر شده است، به گونه ای که در اسلام سنی یا تشیع پیشین دیده نمی شود.

اقلیت های مذهبی

مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان مهم ترین اقلیت های مذهبی هستند. مسیحیان پرتعدادترین گروه در میان این اقلیت ها هستند و ارمنی های ارتدوکس بخش عمده ای از آنها را تشکیل می دهند. آشوری ها نسطوری قدیم ایران، پروتستان و کاتولیک رومی هستند، همین طور تعداد کمی از گروه های قومی دیگر به اسلام گرویده اند. زرتشتیان عمدتاً در یزد در مرکز ایران، کرمان در جنوب شرقی و تهران متمرکز هستند.

رواداری مذهبی، یکی از ویژگی های ایران در دوران سلطنت پهلوی، با انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ به پایان رسید. در حالی که مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان در قانون اساسی ۱۹۷۹ به عنوان اقلیت های رسمی شناخته شده اند، فضای انقلابی در ایران طوری نبود که منجر به رفتار برابر با غیر مسلمانان شود. در این میان، اعضای بهائیت -دینی که در ایران تأسیس شده بود - قربانی بزرگترین آزار و شکنجه شدند. جمعیت یهودیان که قبل از سال ۱۹۷۹ قابل توجه بود، پس از انقلاب تعداد زیادی مهاجرت کردند.

اقتصاد ایران

بزرگ‌ترین مانع پیش روی اقتصاد ایران، انزوای مداوم این کشور از جامعه بین‌المللی است. این انزوا رشد کوتاه مدت و بلند مدت بازارهای آن را با مشکل مواجه کرده، دسترسی کشور به فناوری پیشرفته را محدود کرده و مانع از سرمایه‌گذاری خارجی شده است. انزوای ایران محصول بیگانه‌هراسی سیاستمداران محافظه‌کارتر آن - که از گرفتاری‌های پشاهنشاهی می‌ترسند - و تحریم‌های اعمال شده توسط جامعه بین‌المللی است؛ به‌ویژه ایالات متحده، که ایران را به حمایت از تروریسم بین‌المللی متهم می‌کند. قانون تحریم‌های ایران و لیبی در سال ۱۹۹۶ تحریم‌های موجود ایالات متحده بر واردات فرآورده‌های نفتی ایران را گسترش داد تا شامل ممنوعیت‌های گسترده برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی و غیر آمریکایی در ایران شود. این ممنوعیت‌ها شامل ممنوعیت سفته‌بازی خارجی در توسعه نفت ایران، صادرات فناوری پیشرفته به ایران و واردات طیف گسترده‌ای از محصولات ایرانی به ایالات متحده بود. تلاش‌های سیاستمداران اصلاح طلب ایرانی برای باز کردن کشورشان به روی سرمایه‌گذاری خارجی با محدود مواجه شده است، در اوایل قرن بیست و یکم تحریم‌های ایالات متحده همچنان پابرجا بود.

اهداف بلند مدت ایران از انقلاب ۱۹۷۹ استقلال اقتصادی، اشتغال کامل و استاندارد زندگی راحت برای شهروندانش بوده است، اما در پایان قرن بیستم آینده اقتصادی کشور با موانعی همراه بود. جمعیت ایران در آن دوره بیش از دو برابر شد و جمعیت آن به طور فزاینده‌ای جوان شد. در کشوری که به طور سنتی روستایی و کشاورزی بوده است، تولیدات کشاورزی از دهه ۱۹۶۰ به طور مداوم کاهش یافته است (در اواخر دهه ۱۹۹۰، ایران واردکننده عمده مواد غذایی بود)، و مشکلات اقتصادی در روستاها باعث شده است تا تعداد زیادی از مردم به شهرهای بزرگ مهاجرت کنند. در شهرها هم نرخ باسوادی و امید به زندگی در ایران بالاست، اما نرخ بیکاری نیز بالا می‌باشد و تورم سالانه به طور منظم در محدوده ۲۰ درصد است. ایران همچنان به یکی از صنایع اصلی خود، یعنی استخراج نفت و گاز طبیعی برای صادرات وابسته است، و دولت در فراهم کردن فرصت‌ها برای نیروی کار جوان‌تر و تحصیل کرده‌تر با مشکل روبه‌رشد مواجه است که منجر به احساس ناامیدی فزاینده در میان افراد سطح پایین و طبقه متوسط شده است.

با این حال، دولت تلاش کرده است تا زیرساخت های ارتباطی، حمل و نقل، تولید و انرژی کشور (از جمله تأسیسات انرژی هسته ای آینده اش) را توسعه دهد و اکنون روند یکپارچه سازی سیستم های ارتباطی و حمل و نقل خود را با کشورهای همسایه آغاز کرده است..

Religion and Economy of Iran

The vast majority of Iranians are Muslims of the Ithnā ‘Asharī, or Twelver, Shi‘i branch, which is the official state religion. The Kurds and Turkmen are predominantly Sunni Muslims, but Iran’s Arabs are both Sunni and Shi‘i. Small communities of Christians, Jews, and Zoroastrians are also found throughout the country.

Shi‘ism

The two cornerstones of Iranian Shi‘ism are the promise of the return of the divinely inspired 12th imam—Muḥammad al-Mahdī al-Ḥujjah, whom the Shi‘ah believe to be the mahdi—and the veneration of his martyred forebears. The absence of the imam contributed indirectly to the development in modern Iran of a strong Shi‘i clergy whose penchant for status, particularly in the 20th century, led to a proliferation of titles and honorifics unique in the Islamic world. The Shi‘i clergy have been the predominant political and social force in Iran since the 1979 revolution.

There is no concept of ordination in Islam. Hence, the role of clergy is played not by a priesthood but by a community of scholars, the ulama (Arabic ‘ulamā’). To become a member of the Shi‘i ulama, a male Muslim need only attend a traditional Islamic college, or madrasah. The main course of study in such an institution is Islamic jurisprudence (Arabic fiqh), but a student need not complete his madrasah studies to become a faqīh, or jurist. In Iran such a low-level clergyman is generally referred to by the generic term mullah or ākhūnd or, more recently, rūḥānī (Persian: “spiritual”). To become a mullah, one need merely advance to a level of scholarly competence recognized by other members of the clergy. Mullahs staff the vast majority of local religious posts in Iran.

An aspirant gains the higher status of mujtahid—a scholar competent to practice independent reasoning in legal judgment (Arabic ijtihād)—by

first graduating from a recognized madrasah and obtaining the general recognition of his peers and then, most important, by gaining a substantial following among the Shi'ah. A contender for this status is ordinarily referred to by the honorific *hojatoleslām* (Arabic *ḥujjat al-Islām*, "proof of Islam"). Few clergymen are eventually recognized as *mujtahids*, and some are honoured by the term *ayatollah* (Arabic *āyat Allāh*, "sign of God"). The honorific of grand *ayatollah* (*āyat Allāh al-'uẓmā'*) is conferred only upon those Shi'i *mujtahids* whose level of insight and expertise in Islamic canon law has risen to the level of one who is worthy of being a *marja'-e taqlīd* (Arabic *marja' al-taqlīd*, "model of emulation"), the highest level of excellence in Iranian Shi'ism.

There is no real religious hierarchy or infrastructure within Shi'ism, and scholars often hold independent and varied views on political, social, and religious issues. Hence, these honorifics are not awarded but attained by scholars through general consensus and popular appeal. Shi'is of every level defer to clergymen on the basis of their reputation for learning and judicial acumen, and the trend has become strong in modern Shi'ism for every believer, in order to avoid sin, to follow the teachings of his or her chosen *marja'-e taqlīd*. This has increased the power of the *ulama* in Iran, and it has also enhanced their role as mediators to the divine in a way not seen in Sunni Islam or in earlier Shi'ism.

Religious minorities

Christians, Jews, and Zoroastrians are the most significant religious minorities. Christians are the most numerous group of these, Orthodox Armenians constituting the bulk. The Assyrians are Nestorian, Protestant, and Roman Catholic, as are a few converts from other ethnic groups. The Zoroastrians are largely concentrated in Yazd in central Iran, Kermān in the southeast, and Tehrān.

Religious toleration, one of the characteristics of Iran during the Pahlavi monarchy, came to an end with the Islamic revolution in 1979. While Christians, Jews, and Zoroastrians are recognized in the constitution of 1979 as official minorities, the revolutionary atmosphere in Iran was not conducive to equal treatment of non-Muslims. Among these, members of the Bahā'ī faith—a religion founded in Iran—were the victims of the greatest persecution. The Jewish population, which had been significant before 1979, emigrated in great numbers after the revolution.

Economy of Iran

The most formidable hurdle facing Iran's economy remains its continuing isolation from the international community. This isolation has hampered the short- and long-term growth of its markets, restricted the country's access to high technology, and impeded foreign investment. Iran's isolation is a product both of the xenophobia of its more conservative politicians—who fear postimperial entanglements—and sanctions imposed by the international community, particularly the United States, which accuses Iran of supporting international terrorism. The Iran and Libya Sanctions Act of 1996 expanded an existing U.S. embargo on the import of Iranian petroleum products to encompass extensive bans on investment both by U.S. and non-U.S. companies in Iran. These prohibitions included bans on foreign speculation in Iranian petroleum development, the export of high technology to Iran, and the import of a wide variety of Iranian products into the United States. Overtures by reform-minded Iranian politicians to open their country to foreign investment have met with limited success, but in the early 21st century U.S. sanctions remained in place.

Iran's long-term objectives since the 1979 revolution have been economic independence, full employment, and a comfortable standard of living for its citizens, but at the end of the 20th century the country's

economic future was lined with obstacles. Iran's population more than doubled in that period, and its population grew increasingly young. In a country that has traditionally been both rural and agrarian, agricultural production has fallen consistently since the 1960s (by the late 1990s Iran was a major food importer), and economic hardship in the countryside has driven vast numbers of people to migrate to the largest cities. The rates of both literacy and life expectancy in Iran are high for the region, but so, too, is the unemployment rate, and inflation is regularly in the range of 20 percent annually. Iran remains highly dependent on its one major industry, the extraction of petroleum and natural gas for export, and the government faces increasing difficulty in providing opportunities for a younger, better-educated workforce, which has led to a growing sense of frustration among lower- and middle-class Iranians.

Still, the government has tried to develop the country's communication, transportation, manufacturing, and energy infrastructures (including its prospective nuclear power facilities) and has begun the process of integrating its communication and transportation systems with those of neighbouring states.

Source:

britannica.com/place/Iran/Religion